



بانک کارآفرین
KARAFARIN BANK



رویکردهای مختلف به نظام بانکداری متعارف و عقود فقهی متناسب با آن

آذر ۱۳۹۹

مدیریت ریسک و مطالعات اقتصادی

اداره مطالعات اقتصادی و بانکی

خلاصه مدیریتی

در ادبیات ماهیت‌شناسی نظام بانکداری مدرن سه رویکرد اصلی به بانک و نظام بانکی مدرن وجود دارد. رویکرد غالب و مرسوم آن است که بانک واسطه‌ای میان دو گروه از فعالان اقتصادی است؛ افرادی که مازاد منابع داشته (پس‌اندازکنندگان) و افرادی که برای انجام مخارج خود دچار کسری منابع هستند (سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان). رویکرد دوم که البته در سال‌های اخیر رواج بیشتری یافته است، علاوه بر توجه به نقش واسطه‌گری بانک‌ها، جایگاه ویژه این نهاد اقتصادی در خلق پول را نیز توجه مورد قرار می‌دهد. رویکرد سوم نیز بانک را به عنوان یک نهاد خلق پول در نظر می‌گیرد که هرگونه پرداخت از سمت بانک را خلق پول و هرگونه دریافت را محو پول می‌داند. براساس رویکرد سوم، بانک می‌تواند فارغ از محدودیت‌هایی که در دو رویکرد دیگر وجود دارد به خلق پول پردازد و تنها محدودیتی که مانع از خلق و محو پول توسط بانک می‌شود، سود و زیان ناشی از این عملیات است. از همین رو در صورت پذیرش نگاه سوم، بانکداری بدون ربا دچار اشکالاتی در تبیین نسبت بانک با مشتریان است و بنابراین لازم است تا عقود بانکی مبتنی بر این نگاه تغییر کند و متناسب با آن تعدیل گردد.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱- رویکردهای رایج به نظام بانکی	۲
۱-۱- رویکرد اول: بانک به عنوان نهاد واسطه و جوه	۳
۲-۱- دیدگاه دوم: ضریب فزاینده و خلق پول تجمعی	۵
۳-۱- انتقادات به دو رویکرد فوق	۸
۴-۱- بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا	۱۰
۲- بانک به عنوان نهاد خلق پول	۱۴
۱-۲- خلق پول در نظام بانکداری مدرن	۱۴
۲-۲- عوامل مؤثر بر حجم خلق پول بانکها	۱۸
منابع	۲۸

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت اسلامی سازی نهادهای مختلف در بین متفکران مختلف ایجاد شد. بر همین اساس نظام بانکی به عنوان پاشنه آشیل نظام مالی کشور و به عنوان مهم ترین نهاد اقتصادی کشور مورد توجه افراد مختلف قرار گرفت. درگیری حداکثری مردم با این نهاد و ربوی بودن آن ضرورت نوشتن قانون عملیات بانکداری بدون ربا را به وجود آورد.

اشکالات مختلف به قانون بانکداری بدون ربا توسط متخصصان بانکی و اسلامی گرفته شده است که عمدتاً مبتنی بر عدم اجرای صحیح این قانون توسط نظام بانکی، عدم نظارت صحیح بانک مرکزی در اجرای آن و برخی اشکالات جزئی در این قانون است. اما آنچه که از نظر اکثر متخصصان اقتصادی و اسلامی مغفول مانده است، توجه به ماهیت بانک و عدم تناسب قانون بانکداری بدون ربا مبتنی بر ماهیت اصیل بانک در نظام پولی مدرن است.

مسئله شناخت و فهم ماهیت یک پدیده مقدم بر قضاوت و حکم راجع به آن است و تا زمانی که روابط و ساختارهای یک نهاد شناخته نشود صحبت کردن راجع به آن و تلاش برای تغییر ماهیت آن بی فایده است. نظام بانکداری مدرن، از مهم ترین و پیچیده ترین نهادهای شکل گرفته در نظام اقتصادی مدرن است که شناخت دقیق آن اختلافات زیادی را بین صاحب نظران اقتصادی دنیا به وجود آورده است. از این رو جستجو و کاوش در میان نظرات مختلف و شناخت رویکردها و نگاهها متفاوت به بانک، می تواند راه صحیح برای اسلامی کردن عقود را به ما نشان دهد.

در این گزارش ابتدا سه رویکرد اصلی به بانک و نظام بانکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت مبتنی بر نگاه‌های مطرح شده، راهکارهای اسلامی‌سازی عقود مختصراً ارائه می‌شود. بر این اساس سه رویکرد اصلی در خصوص ماهیت بانکداری امروزی در ادبیات موضوع پولی و بانکی وجود دارد. رویکرد غالب و مرسوم آن است که بانک واسطه‌ای میان دو گروه از فعالان اقتصادی است؛ افرادی که مازاد منابع داشته (پس‌اندازکنندگان) و افرادی که برای انجام مخارج خود دچار کسری منابع هستند (سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان). رویکرد دوم که البته در سال‌های اخیر رواج بیشتری یافته است، علاوه بر توجه به نقش واسطه‌گری بانک‌ها، جایگاه ویژه این نهاد اقتصادی در خلق پول را نیز توجه مورد توجه قرار می‌دهد. رویکرد سوم نیز بانک را به عنوان یک نهاد خلق پول در نظر می‌گیرد که هرگونه پرداخت از سمت بانک را خلق پول و هرگونه دریافت را محو پول می‌داند. در ادامه هر یک از این رویکردها و ارتباط آن با پدیده خلق پول بحث خواهد شد و دلالت‌های اسلامی‌سازی عقود در آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- رویکردهای رایج به نظام بانکی

بانک به عنوان نهاد واسطه‌جوه و بانک با نگاه ضریب فزاینده دو رویکرد رایج و سنتی‌ای به نظام بانکی مدرن هستند که در این قسمت به تفصیل آن می‌پردازیم.

۱-۱- رویکرد اول: بانک به عنوان نهاد واسطه وجوه^۱

اغلب مردم و حتی کارشناسان تصور می کنند که بانک صرفاً یک نهاد واسطه مالی^۲ است که پس اندازها یا منابع مازاد مردم را جمع آوری کرده و آن ها را در اختیار سرمایه گذارانی که نیاز به منابع مالی دارند، قرار می دهد. در کتب درسی اقتصاد نیز عمدتاً بر نقش واسطه مالی بودن بانک ها تأکید می شود. به عنوان نمونه میشکین^۳ (۲۰۱۳) در کتاب «اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی»^۴ خود که به عنوان متن درسی در بسیاری از دانشگاه های دنیا تدریس می شود، بانک را جزء واسطه های مالی طبقه بندی می کند که سپرده ها را از افراد و نهادها می پذیرند و از سوی دیگر وام اعطا می کنند. بانک های تجاری از طریق سپرده پذیری به جمع آوری وجوه می پردازد و از آن ها برای اعطای وام های تجاری، مصرفی، مسکن، یا خرید اوراق بهادار و سایر دارایی ها استفاده می کنند. براساس این تصور از بانک و نحوه عملکرد آن، نقش بانک به عنوان نهاد واسطه چیزی بر فرآیند وام دهی پس انداز کننده به وام گیرنده نمی افزاید و می توان بانک را از فرآیند مزبور حذف کرد. این نگاه مبنای تلقی افرادی است که گمان می کنند که پول تنها اسکناس و مسکوک است که توسط بانک مرکزی و به نمایندگی از دولت خلق یا ایجاد می شود.

براساس این تحلیل که عمدتاً در کتب اقتصاد کلان و بین اکثر متخصصان اقتصادی و اسلامی رایج است، مجموع پس انداز خصوصی و دولتی «جریان ورودی به بازارهای مالی» است؛ و سرمایه گذاری برابر با «جریان

۱ تذکر: قسمت عمده این بخش از گزارش ۱۵۵۱۴ مرکز پژوهش های مجلس گرفته شده است.

۲. Financial Intermediary

۳. Mishkin

۴. the Economics of Money, Banking and Financial Markets

خروجی از بازارهای مالی» است. این تحلیل بدین معنی است که اتحاد حسابداری میان پس انداز و سرمایه گذاری، به عنوان یک قید بودجه تفسیر می شود: بدون پس انداز پیشینی، هیچ جریانی از وجوه قابل وام دهی در دسترس سرمایه گذاران نخواهد بود.

از این تحلیل نتیجه می شود که یک افزایش پس انداز که در اثر کاهش مخارج رخ داده (مصرف کمتر از درآمد برای خانوارها و هزینه کمتر از عایدی برای دولت)، موجب افزایش عرضه وام می شود. اگر خانوارها و دولت پس انداز نکنند، منابع مورد نیاز برای بنگاه ها به مقدار کافی وجود نخواهد داشت. بنابراین، حداکثر مقدار اعتبار برای سرمایه گذاری در یک اقتصاد بسته، توسط منابع حاصل از پس انداز خانوار و دولت محدود می شود. بیانی ساده و ابتدایی از رویکرد واسطه گری مالی بانک، به این صورت است که: «قطعا هنگامی که من یک سپرده جاری در بانک افتتاح می کنم، بانک از این سپرده برای تامین مالی وام هایی به سایر خانوارها یا بنگاه ها استفاده می کند. به بیان دیگر، بانک پس اندازهای مرا واسطه گری می کند» (جاکاب و کاموف، ۲۰۱۵)

نکته و دلالت اصلی نهفته در دکرین واسطه گری مالی به لحاظ سیاست گذاری آن است که پس انداز بیشتر از طریق مصرف کمتر و کسری بودجه کمتر دولت، منجر به عرضه اعتبار بیشتر، نرخ های بهره کمتر، سرمایه گذاری بیشتر و در نتیجه انباشت سرمایه بیشتر و درآمد آتی زیادتر می شود.

براساس این رویکرد که از ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۷ رویکرد غالب در تبیین نظام بانکی بوده است، بانک به مانند یک نهاد واسطه مالی و یک نهاد غیر بانکی تقلیل پیدا می کند. همانطور که بیان شد علت اصلی چنین نگاهی به بانک را باید در فهم غلط از پول دانست. در این نگاه سپرده های بانکی مانند اسکناس در نظر گرفته می شود. در واقع

تمایزی بین اسکناس که بدهی بانک مرکزی به مردم و بانک‌هاست با سپرده بانکی که بدهی بانک‌ها به مردم است در نظر گرفته نمی‌شود.

اما سپرده‌گذاری در بانک تفاوت اساسی با قرض‌دهی به افراد و نهادهای غیربانکی دارد. سپرده‌های بانک که در واقع بدهی‌های بانک به سپرده‌گذار محسوب می‌شود، پول است؛ اما بدهی‌های سایر افراد و نهادهای غیربانکی پول نیست. به بیان دیگر از طریق کارت‌های بانکی یا از طریق کشیدن چک می‌توان کالاها و خدمات مورد نیاز خود را به دست آورد، اما با ارائه سند بدهی افراد و یا نهادهای غیربانکی هیچ فردی حاضر به ارائه کالا و خدمت نخواهد بود. پول بودن بدهی بانک، ویژگی اساسی و تمایز اصلی بانک با سایر نهادهای مالی و سایر فعالان اقتصادی است.^۵ پول بودن سپرده‌های بانکی (بدهی بانک) باعث خواهد شد که بانک قدرت یابد در فرآیند اعطای تسهیلات پول جدید خلق کند. در واقع هنگامی که بانک به متقاضی وام اعطا می‌کند، پول جدید خلق می‌شود.

۱-۲- دیدگاه دوم: ضریب فزاینده و خلق پول تجمعی

در سال‌های پس از ۱۹۲۰ برخی از اقتصاددانان تاثیرگذار نظیر فیلیپس این بحث را مطرح کردند که باید بین دو مسئله تمایز قائل شد، نخست امکان‌پذیری «تولید پول» توسط یک بانک از طریق وام‌دهی مازاد بر موجودی نقد و ذخایر خود، و دوم امکان‌پذیری خلق پول در سیستم بانکی به عنوان یک کل. فیلیپس معتقد بود: «تک تک

۵. البته در اینجا منظور کلیه نهادها و فعالان اقتصادی غیر از بانک مرکزی است؛ چرا که بدهی‌های بانک مرکزی (اسکناس و مسکوک و سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی) نیز پول است.

بانک‌ها نمی‌توانند پول یا اعتبار خلق کنند، اما کل سیستم بانکی به صورت جمعی می‌تواند چنین نقشی داشته باشد. در واقع یک ذخیره جدید، به اجزای کوچک شکسته می‌شود و بین بانک‌های مختلف در سیستم بانکی پخش می‌شود. در خلال این فرایند پخش شدن، مقدمات انبساط مضاعف وام فراهم می‌شود» (ورنر، ۲۰۱۴)

از مهم‌ترین طرفداران این نگاه ساموئلسون است. ساموئلسون استدلال می‌کند که یک بانک باید ابتدا منابع را جمع‌آوری کند، پیش از آنکه بتواند وام بانکی بدهد. با این وجود ساموئلسون معتقد است که کل نظام بانکی می‌تواند خلق پول کند.

بنابر این خلق پول بانک در اندیشه متعارف اقتصادی پذیرفته شده است، لیکن تفسیری برای چگونگی آن ارائه شده که با واسطه‌گری بانک منطبق باشد. نظریه موسوم به «ضریب فزاینده پولی»^۶ عهده‌دار آشتی‌دهی دو مفهوم خلق پول و واسطه‌گری بانک است. فرآیند خلق پول در این رویکرد با سپرده‌گذاری یک فعال اقتصادی در بانک آغاز می‌شود. به عنوان نمونه فردی (۱۰۰ هزار ریال) در بانک «الف» سپرده‌گذاری می‌کند. بانک «الف» که تحت نظام بانک‌داری ذخیره جزئی فعالیت می‌کند، بخشی از سپرده (۱۰ هزار ریال) - براساس نرخ ذخیره قانونی (به عنوان مثال ۱۰٪) که بانک مرکزی تعیین کرده است - به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه (۹۰ هزار ریال) را وام می‌دهد. اعطای وام از طریق افزایش موجودی حساب وام‌گیرنده در بانک «الف» صورت می‌گیرد و حجم سپرده‌ها به ۱۹۰ هزار ریال (۱۰۰ هزار ریال سپرده اولیه + ۹۰ هزار ریال سپرده که از طریق وام ایجاد شده است) افزایش می‌یابد. بانک الف ۱۰٪ سپرده جدید را به عنوان ذخیره نگه داشته و ۸۱ هزار ریال دیگر را وام می‌دهد. در این

۶. Money Multiplier Approach

شرایط حجم سپرده‌های بانک به ۲۷۱ هزار ریال افزایش خواهد یافت. در مدل ساده این روند به همین صورت ادامه می‌یابد و در نهایت حجم سپرده‌های بانکی به ۱ میلیون ریال (حاصل ضرب عکس نرخ ذخیره قانونی (۱۰٪) در سپرده اولیه (۱۰۰ هزار ریال) می‌رسد (منکیو^۷، ۲۰۰۳).

رویکرد ضریب فزاینده، شرح کتب درسی اقتصاد از فرآیند خلق پول است. بانک‌ها طی فرآیند سپرده‌پذیری و وام‌دهی، پول پر قدرتی^۸ که بانک مرکزی خلق کرده را چند برابر می‌کنند. عدد ضریب فزاینده پولی ضریبی است نمایانگر اینکه عملیات موسوم به وام‌دهی مجدد سیستم بانکی، حجم پول عرضه‌شده توسط بانک مرکزی (پایه پولی) را چند برابر می‌کند. در این رویکرد بیان می‌شود که هر چه این ضریب بیشتر باشد، نشانگر آن است که نقش بانک‌ها در فرآیند خلق پول بیشتر است.

رویکرد ضریب فزاینده با رویکردی که بانک را واسطه مالی می‌داند، کاملاً سازگار است. سپرده‌گذار وجوهی را در بانک به عنوان سپرده قرار داده، بانک بخشی از آن را به عنوان ذخیره قانونی و ذخیره احتیاطی برداشته و مابقی را وام می‌دهد که تکرار این عمل توسط بانک‌ها موجب خلق پول می‌شود. به تعبیر جکسون و دی‌سون^۹ (۲۰۱۲) «در رویکرد ضریب فزاینده، بانک‌ها صبر می‌کنند تا فردی اقدام به سپرده‌گذاری کند تا بانک پس از آن و بعد از کسر ذخیره قانونی اقدام به وام‌دهی کند. در حقیقت آن‌ها [بانک‌ها] تنها واسطه‌هایی هستند که به صورت منفعلانه نسبت به رفتار مشتریان خود واکنش نشان می‌دهند. وام‌دهی بانک‌ها متوقف بر سپرده‌گذاری مشتریان

۷. Mankiw

۸. High Powered Money

۹. Jackson & Dyson

است».

۱-۳- انتقادات به دو رویکرد فوق

رد رویکرد واسطه‌گری مالی در آثار منتشر شده از سوی بانک مرکزی انگلستان نیز دیده می‌شود: «یک برداشت نادرست رایج این است که بانک‌ها صرفاً مانند واسطه عمل می‌کنند که سپرده‌هایی را که پس‌اندازکنندگان نزد آن‌ها نهاده‌اند را وام می‌دهد. در این رویکرد، سپرده در اثر تصمیم خانوارها به پس‌انداز خلق می‌شود، و سپس بانک‌ها آن‌ها را وام می‌دهند. اما نکته مهم آن است که پس‌انداز موجب افزایش سپرده‌ها یا منابع در دسترس برای وام دادن بانک نمی‌شود؛ چنین نیست که بانک‌ها، هنگامی که خانوارها پس‌انداز می‌کنند، سپرده دریافت کنند و سپس آن‌ها را وام دهند، بلکه وام‌دهی بانک، سپرده جدید خلق می‌کند. تلقی بانک‌ها به عنوان واسطه مالی، این واقعیت را نادیده می‌گیرد که در واقع در اقتصاد مدرن، بانک‌ها خالق سپرده‌ها هستند) مک‌لی و دیگران، ۲۰۱۴)

نقد مهمی که وجود دارد که قبلاً نیز بیان شد آن است که نگاه واسطه‌گری مالی با این فرض است که سپرده‌های بانکی همان اسکناس است درحالی که پول نقد بخش بسیار کوچکی از کل حجم پول اقتصادهای مدرن را شامل می‌شود.

رول (۲۰۱۵) معتقد است در جهان واقعی تبیین ضریب فزاینده دارای دو اشکال جدی است: نخست آنکه نقش بانک‌های تجاری در خلق پول را بیش از حد ساده‌سازی نموده و دوم آنکه رابطه علیت میان پول محدود و پول گسترده را بالعکس در نظر گرفته است (بدین معنا که اینگونه نیست که ابتدا ذخایر بانک مرکزی تزریق شود و

بعد بانک‌ها شروع به وام‌دهی کنند، بلکه بانک‌ها ابتدا تسهیلات می‌دهند و ذخایر آن را پیدا می‌کنند. در واقع ذخایر مانعی برای خلق پول بانکی نیست).

موسسه استاندارد (S&P) در سال ۲۰۱۳ مقاله‌ای تحت عنوان «بعد از من تکرار کنید: بانک‌ها ذخایر خود را وام نمی‌دهند و نمی‌توانند چنین کنند» منتشر نمود. هدف نگارش این مقاله، اصلاح برداشت‌های نادرست درباره اثرات سیاست تعدیل مقدار (QE) اجرا شده توسط فدرال رزرو بوده و در آن، به فهم‌های نادرست درباره سازوکار خلق پول توسط بانک مرکزی و بانک‌ها اشاره شده است. «اشکالی ندارد که سیاست‌سازان، اقتصاددانان و فعالان بازار درباره مناسب بودن و اثربخشی سیاست تعدیل مقدار موافق نباشند، اما این مخالفت آن‌ها باید حداقل مبتنی بر یک فهم صحیح از مکانیسم ترازنامه‌ای QE باشد» (شیرد، ۲۰۱۳).

رویکرد ضریب فزاینده در آثار منتشر شده توسط بانک مرکزی انگلستان نیز رد شده است: «همانند رابطه میان سپرده‌ها و وام‌ها، رابطه میان ذخایر و وام‌ها نیز عکس آن چیزی است که در برخی کتاب‌های درسی بیان می‌شود. بانک‌ها ابتدا تصمیم می‌گیرند که چه میزان وام بدهند (براساس سودآوری فرصت‌های وام‌دهی، که به شدت تحت تاثیر نرخ بهره وضع شده توسط بانک مرکزی است). تصمیم بانک‌ها در خصوص وام‌دهی، مشخص می‌کند که چه میزان سپرده توسط نظام بانکی خلق شود. پس از آن، حجم سپرده‌ها تعیین می‌کند که بانک‌ها چه میزان از پول بانک مرکزی (ذخایر) تقاضا کنند (برای پوشش مقررات بانک مرکزی و تسویه پرداخت‌ها به سایر بانک‌ها). این تقاضا، در نرخ بهره تعیین شده توسط بانک مرکزی فوراً پرداخت می‌گردد و حجم ذخایر بانک‌ها

نزد بانک مرکزی را افزایش می دهد. لذا چنین نیست که پول بانک مرکزی در یک فرایند تدریجی سپرده گذاری و وام دهی چند برابر شود» (مکلی و دیگران، ۲۰۱۴)

جاکاب و کاموف (۲۰۱۵) معتقدند که رویکرد ضریب فزاینده، به دو دلیل اساسا نادرست است. نخست آنکه دیدگاه فوق این حقیقت را در نظر نگرفته است که ذخایر بانک مرکزی نمی تواند به بخش غیربانکی وام داده شود (و اینکه پول نقد هرگز به طور مستقیم وام داده نمی شود، بکله صرفا در ازای برداشت از سپرده ای که قبلا از طریق وام دهی خلق شده بود، به افراد داده می شود). دوم و مهم تر آن که، این رویکرد به این واقعیت توجه ندارد که بانک های مرکزی مدرن، نرخ بهره را هدف گذاری نموده اند، و به منظور حفاظت از ثبات مالی، متعهد به تامین هر میزان از ذخایر و پول نقد که بانک ها تقاضا نمایند، در همان نرخ هستند. بنابراین حجم ذخایر، یک نتیجه و نه علت وام دهی و خلق پول است.

نکته دیگر آن است که این تحلیل فرض نموده که الزما بانک دارای ذخیره مازاد، امکان خلق وام و سپرده را دارد، و سایر بانک ها به دلیل نداشتن ذخایر مازاد، نمی توانند وام و سپرده جدید خلق کنند. این در حالی است که در واقعیت، هر یک از بانک ها می توانند بر اساس ارزیابی ریسک و سودآوری، وام جدید اعطا نموده و سپرده جدید خلق نمایند؛ پس از آن، بانک که دارای کسری ذخایر قانونی شده، در بازار بین بانکی می تواند برای جذب ذخایر از بانک های دارای مازاد، اقدام نماید.

۴-۱- بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا

«مواد متعددی از قانون عملیات بانکی بدون ربا به صراحت دال بر حاکمیت دیدگاه واسطه مالی صرف بر این

قانون است. به عنوان مثال در تبصره ماده ۳ تصریح شده: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آن‌ها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین در ماده ۱۴ تصریح شده: بانک‌ها موظفند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند. عباراتی نظیر «استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات» یا «اختصاص دادن منابع خود به متقاضیان» در موارد فوق و همچنین عبارت پرتکرار «حق‌الوکاله به کارگیری سپرده‌ها» دال بر رویکرد واسطه‌گری است.

عبارت دیگری که دال بر نادیده انگاشته شدن امکان خلق پول انفرادی بانک‌ها است، در عنوان فصل دوم قانون (تجهیز منابع پولی) دیده می‌شود. ماده ۳ در این فصل نیز انواع روش‌های «قبول سپرده» توسط بانک‌ها را بیان می‌کند. گویی بانک‌ها صرفاً می‌توانند منابع پولی (سپرده‌ها) را تجهیز یا قبول کنند و امکان خلق سپرده توسط یک بانک وجود ندارد.

علاوه بر عبارات فوق، تقسیم درآمدهای بانک به مشاع و غیرمشاع که به موجب مواد ۵ و ۲۳ این قانون انجام شده، بر مبنای دیدگاه خلق پول صحیح نیست. مطابق این دستورالعمل، منافع حاصل از به کارگیری سپرده مشتریان در سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات بانک، باید متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و سهم منابع بانک، بین سپرده‌گذاران و بانک تقسیم شود. از آنجا که در واقعیت و مطابق دیدگاه خلق پول، بانک اساساً منابع سپرده‌گذاران را وام نمی‌دهد و سرمایه‌گذاری نمی‌کند، لذا شریک دانستن سپرده‌گذاران در سود وام‌ها یا

سرمایه گذاری‌ها و از طرف دیگر خارج کردن سپرده گذاران از شراکت در درآمدهای کارمزدی و حق الوکاله‌های دریافتی، پذیرفتنی نیست. بانک برای انواع سرمایه گذاری‌ها و وام‌دهی‌های خود، سپرده جدید خلق می‌کند و هنگام فروش سرمایه گذاری‌ها یا بازپرداخت وام‌ها، سپرده‌های قبلی را معدوم می‌نماید» (روحانی، ۱۳۹۷) که در ادامه گزارش تشریح خواهد شد.

از طرف دیگر عمده اشکالاتی که از منظر اسلامی به فرآیندهای بانکی در نظام بانکداری گرفته می‌شود مبتنی بر نگاه سنتی به بانک (بانک به عنوان نهاد واسطه مالی) است و ناظر بر عدم اجرای صحیح قانون و برخی اشکالات جزئی است که در گزارش پیشین بیان شد. در اینجا به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌کنیم و موارد را بر می‌شماریم:

(۱) صوری بودن اجرای عقود: در عقود بانکداری اسلامی، بانک و مشتری هر دو باید دقیقاً متوجه ماهیت عقد باشند و قصد فعل موضوع عقد را داشته باشند، در غیر این صورت عقد باطل است. در بانکداری بدون ربا اساس بر این است که سود سپرده‌ها تابع بازدهی بخش تخصیص باشد اما در شرایط جاری بانک بیشتر گرایش به نرخ‌های ثابت دارند.

(۲) عدم تناسب عقود با فعالیت‌های بانکداری بانک‌ها: براساس منطق اقتصادی، بانک‌های تجاری بر فعالیت‌های کوتاه‌مدت متمرکز هستند و احتمال سهم عقود مبادله‌ای در آن‌ها بیشتر است در حالیکه در بانک‌های تخصصی - توسعه‌ای سهم عقود مشارکتی بیشتر خواهد بود. اما قانون بانکداری بدون ربا بین این دو بانک تمایزی قائل نشده است.

۳) خلا وجود ناظر و امین در اجرای پروژه‌های مشارکتی: ارائه گزارش معتبر موضوع عقد مشارکت باید توسط موسسات متخصص صورت گیرد و مسئولیت عواقب گزارش توجیهی نیز بر عهده آن باشد که در حال حاضر چنین نهادهایی در اقتصاد کشور شکل نگرفته است.

۴) ابهام در استانداردهای نظارتی توسط نهاد تنظیم‌گری و نظارت بانکی: مشارکت در بازده-ریسک بر اساس عقود مشارکتی مهم‌ترین مزیت بانکداری اسلامی است که مستلزم رعایت دقیق ضوابط و الزامات مرتبط با آن‌هاست. با این وجود، الزامات استاندارد در اجرای عقود و استانداردهای نظارتی بر اجرای صحیح آن‌ها در نظام پولی و بانکی کشور وجود ندارد.

۵) ناهماهنگی عقود بانکی بانکداری بدون ربا با قواعد حقوقی: یکی از مشکلات اساسی قانون عملیات بانکی بدون ربا این است که سپرده‌های بانکی عمدتاً به صورت یک استخر واحد برای بانک تلقی می‌شود و بانک نمی‌تواند از طریق مالک شدن این سپرده‌ها (عقد قرض) و یا وکالت به راحتی در این سپرده‌ها تصرف کند.

۶) عدم پوشش تنوع ابزارهای تجهیز و تخصیص سپرده متناسب با انتظارات، اهداف و سلیقه‌های متقاضیان

۷) مشکلات اجرای روش تعهدی در اجرای استانداردهای حسابداری و عدم تطبیق آن با اصول بانکداری اسلامی: سیستم مورد عمل در نظام بانکی از قابلیت‌های لازم برای اجرای قراردادهای دارای سود نامشخص (عقود مشارکتی) به دلیل پیچیدگی و مشکلات محاسبه سود مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد،

برخوردار نیست و به محاسبه درست سود ناشی از این عقود منجر نمی‌شود.

۸) به روز نبودن و ناهنگی مقررات حاکم بر دستگاه‌های نظارتی با اصول و موازین بانکداری اسلامی: اگرچه نظام بانکی به جهت اجرای ناقص بانکداری اسلامی مورد انتقاد واقع می‌شود، اما لازم به توجه است که در هر حال نظام پولی و بانکی بر اساس مقتضیات نظام بانکداری بدون ربا دچار تحول و تغییر شده اما دستگاه‌های نظارتی چندان حساسیت خاصی به اجرای دقیق موازین بانکداری اسلامی ندارند.

۲- بانک به عنوان نهاد خلق پول

۲-۱- خلق پول در نظام بانکداری مدرن

رویکرد دیگر که در سال‌های اخیر توجه بیشتری به آن شده، مدعی تطابق بیشتر با کنش واقعی و عملی بانک‌هاست. گوده‌ه‌ارت^{۱۱} (۲۰۰۷) رویکرد ضریب فزاینده‌ای به خلق پول را یک روش ناکامل در توضیح فرآیند تعیین حجم پول در اقتصاد می‌داند. برخی از بانک‌های مرکزی نیز در گزارشات خود رویکرد ضریب فزاینده را به چالش کشیده‌اند. مک‌لی و دیگران^{۱۲} (۲۰۱۴) در گزارش بانک مرکزی انگلستان^{۱۳} بیان می‌کنند که تصور عموم و حتی برخی از اقتصاددانان از فرآیند خلق پول و عوامل محدود کننده آن اشتباه است. یکی از این اشتباهات آن است که معمولاً بانک‌ها را به عنوان نهادهای واسطه‌ای تعریف می‌کنند که وجوهی را که پس‌انداز کنندگان سپرده‌گذاری کرده‌اند، وام می‌دهند. در این نگاه سپرده‌ها از طریق تصمیمات خانوارها ایجاد می‌شود و بانک‌ها

۱۱. Goodhart

۱۲. McLeay et. al.

۱۳. Bank of England

نیز این سپرده‌ها را به قرض گیرندگان وام می‌دهند. بوندس بانک آلمان^{۱۴} (۲۰۱۲) نیز بیان می‌کند: «کیفیت خلق پول بانک‌ها همچون خلق پول توسط بانک مرکزی است. به عنوان یک قاعده بانک تجاری وامی به مشتری خود اعطا می‌کند و به طور همزمان موجودی حساب سپرده آن را افزایش می‌دهد. بنابراین خلق پول سپرده‌ای [پولی که بانک خلق می‌کند] یک تراکنش حسابداری است». (به نقل از جاکاب و کامهوف^{۱۵}، ۲۰۱۵)

شواهد تجربی نیز تأیید می‌کند که بانک‌ها واسطه مالی نیستند. ورنر^{۱۶} (۲۰۱۴) با توجه به وجود اختلافات نظری که درخصوص ماهیت بانک وجود دارد، به دنبال انجام یک آزمایش تجربی جهت روشن شدن ماهیت بانک براساس عملیات وام‌دهی بانک‌ها در واقعیت است. او براساس داده‌های حسابداری یک بانک در طول فرآیند وام‌دهی نظریات رقیب را مورد آزمون قرار می‌دهد. بررسی او نشان می‌دهد که در فرآیند وام‌دهی، بانک وجوهی را از حساب‌های دیگر داخلی یا خارجی به حساب وام گیرنده انتقال نمی‌دهد بلکه آن را از طریق افزایش اعتبار (موجودی) حساب وام گیرنده ایجاد (خلق) می‌کند. این یافته ماهیت بانک به عنوان یک نهاد خلق پول را تأیید می‌کند. بر این اساس او وجه تمایز بانک‌ها از سایر مؤسسات و نهادهای مالی غیربانکی در این می‌داند که بانک‌ها امکان خلق پول از هیچ^{۱۷} را دارند: «نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در فرایند وام‌دهی و بستانکار نمودن حساب بانکی قرض گیرنده، بانک پول را از سایر حساب‌های داخلی یا خارجی منتقل نمی‌کند،

۱۴. Bundesbank

۱۵. Jakab and Kumhof

۱۶. Werner

۱۷. Creating money out of nothing

بلکه با بستنکار نمودن حساب قرض گیرنده، سپرده جدیدی «خلق می کند»، در حالی که هیچ سپرده گذاری انجام نشده است. این مشاهدات به معنی رد هر دو نظریه ذخیره جرئی و واسطه گری مالی و همسو با ادعای نظریه خلق اعتبار است».

مور^{۱۸} (۱۹۸۳) بیان می کند که در دنیای واقعی بانک ها ابتدا اعتباردهی (خلق سپرده) را گسترش می دهند و سپس به دنبال ذخایر می گردند. بیان مور دلالت بر این دارد که وام دهی یا خلق پول بانک ها متوقف بر سپرده گذاری مشتریان نیست. جکسون و دی سون (۲۰۱۲) رویکرد مخالف ضریب فزاینده را نظریه پول درونزا^{۱۹} معرفی می کنند. «نظریه پول درونزا توضیح می دهد که برخلاف آنکه بانک منتظر یک سپرده گذار باشد که با خود پول جدیدی وارد بانک کند، تحت محدودیت های مشخص بانک ها می توانند هر زمان که بخواهند وام دهند. از طریق فرآیند وام دهی است که بانک ها سپرده جدید خلق می کنند و عرضه پول در اقتصاد را افزایش می دهند».

بر این اساس برخلاف آنچه در رویکرد ضریب فزاینده پولی بیان می شود، اعطای وام یا سرمایه گذاری مستقیم بانک متوقف بر قبول سپرده پیشینی نیست. بانک می تواند به صورت مستقل و حتی بدون جذب سپرده، اقدام به اعطای وام (خلق پول) کند. این تلقی، رویکردی که در آن بانک به عنوان واسطه مالی معرفی می شود را نیز به چالش می کشد، چرا که در عمل بانک پول سپرده گذاران را وام نمی دهد، بلکه پول جدید خلق می کند. شومپتر^{۲۰}

۱۸. Moore

۱۹. endogenous money theory

۲۰. Schumpeter

(۱۹۱۲، ۱۹۷ به نقل از ورنر (۲۰۱۴)) بیان می‌کند که بانک‌دار یک واسطه [مالی] نیست، بلکه تولیدکننده^{۲۱} اعتبار

است. به بیان دیگر او [بانکدار] به تنهایی قدرت خریدی^{۲۲} را که به کارفرما وام می‌دهد را خلق می‌کند.

در این رویکرد، فرآیند با یک پس‌اندازکننده که در بانک سپرده‌گذاری می‌کند، آغاز نمی‌شود بلکه پایان می‌یابد. شروع این فرآیند با یک قرض‌گیرنده است که برای گرفتن وام، پول و نه کالا، به بانک مراجعه می‌کند. در صورتی که بانک، ریسک اعتباری سرمایه‌گذار را قابل قبول تشخیص دهد، وارد یک قرارداد وام با او می‌شود. هنگامی که این وام در حساب‌های بانک به عنوان یک دارایی جدید ثبت می‌شود، به طور هم‌زمان، یک سپرده نیز به همان مقدار به عنوان بدهی در حساب‌های بانک ثبت می‌شود. بانک از طریق وام‌دهی، قدرت خرید جدید یا همان پول را خلق می‌کند؛ هم وام و هم سپرده به نام سرمایه‌گذار است و این بدان معنا است که این تراکنش شامل هیچگونه واسطه‌گری وجوه نیست. در واقع لازم نیست هیچ منابعی توسط سایر اشخاص از سایر مقاصد آورده شود تا امکان وام‌دهی به قرض‌گیرنده فراهم گردد.

بنابراین اولین مرحله وام‌دهی، انبساط ترازنامه بانک است که شامل افزایش دارایی‌های بانک به اندازه وام جدید اعطا شده، و افزایش بدهی‌های بانک به همان میزان ناشی از سپرده خلق شده برای صاحب وام است. هنگامی که دریافت‌کننده وام، سپرده خود را خرج می‌کند، ذخایر میان دو بانک حرکت می‌کند (رول، ۲۰۱۵) در نظر داشتن این تمایز بسیار ضروری است: هنگامی که قرض‌دهنده‌ای نمی‌تواند خودش خلق پول کند،

۲۱. manufacturer

۲۲. purchasing power

انباشت پول خود را کاهش و انباشت سایر دارایی‌های مالی خود را افزایش می‌دهد. اما قرض‌دهنده‌ای که قادر به خلق پول است (نظیر بانک مرکزی یا بانک تجاری)، به صورت همزمان، هم دارایی‌های مالی ناخالص خود را افزایش می‌دهد (به شکل وام جدید که خلق کرده)، و هم بدهی‌های مالی ناخالص خود را اضافه می‌کند (که همان سپرده قرض‌گیرنده است). در هر دو حالت، ترازنامه قرض‌دهندگان از وضعیت تراز خارج نمی‌شود (لیندر، ۲۰۱۵)

۲-۲- عوامل مؤثر بر حجم خلق پول بانک‌ها

خلق پول بانکی همانند هر فعالیت اقتصادی دیگر منافع و هزینه‌هایی دارد که برآیند آن‌ها حجم خلق پول بانک را مشخص می‌کند. منافع خلق پول بانک اولاً بهره‌ای است که بانک روی تسهیلات اعطایی اخذ می‌کند و ثانیاً فرصتی است که به واسطه دسترسی سریع به پول جهت سرمایه‌گذاری به دست می‌آورد.

هزینه‌های خلق پول بانک ناشی از هزینه تأمین ذخایر بانک مرکزی^{۲۳} است. ذخایر بانک مرکزی نقش اساسی در خلق پول بانک‌ها در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی ایفا می‌کنند. ذخایر بانک مرکزی در کنار پول رایج^{۲۴} (اسکناس و مسکوک) و سپرده‌های بانکی^{۲۵}، سه پول اصلی هستند که در اقتصاد جریان دارند. پول رایج و ذخایر بانک مرکزی توسط بانک مرکزی خلق می‌شود و سپرده‌های بانکی که بخش اعظم پول مدرن را تشکیل می‌دهد، توسط بانک‌های تجاری و سایر مؤسسات سپرده‌پذیر (مک‌لی و دیگران، ۲۰۱۴).

۲۳. central bank reserves

۲۴. currency

۲۵. bank deposits

ذخایر بانک مرکزی که در واقع بدهی بانک مرکزی است، پولی است که تنها میان بانک‌ها با یکدیگر و با بانک مرکزی جریان دارد. همه بانک‌ها نزد بانک مرکزی حساب‌هایی دارند که موجودی آن‌ها بیانگر ذخایر یا سپرده‌های بانک نزد بانک مرکزی است. هر تراکنش مالی که میان مشتریان دو بانک صورت می‌گیرد، علاوه بر حساب‌های مشتریان نزد بانک‌ها، حساب‌های بانک‌های مزبور نزد بانک مرکزی را نیز دچار تغییر می‌کند.

علت نیاز بانک‌ها به ذخایر از دو جهت است. اولاً ممکن است سپرده‌های خلق شده از سوی بانک که ناشی از پرداخت‌های بانک به اشخاص غیربانکی (بابت وام، بهره سپرده، جبران خدمات، ...) است به واسطه انتقال پول از سوی سپرده‌گذار به بانک دیگر (در اثر خرید کالا یا خدمت، پرداخت بدهی و ...) از بانک خارج شود. در این صورت بانک مبدأ به بانک مقصد بدهکار می‌شود که تسویه بدهی تنها از طریق ذخایر بانک مرکزی صورت می‌گیرد. البته در طول روز جریانی از ورودی‌ها و خروجی‌ها میان بانک‌ها وجود دارد و لذا در پایان روز چنانچه حجم خروجی‌ها از ورودی‌های یک بانک بیشتر باشد، برای تسویه بدهی خود نیازمند ذخایر خواهد بود. علاوه بر این در برخی از کشورها بانک‌ها موظف‌اند معادل درصدی از سپرده‌های خود نزد بانک مرکزی ذخیره نگه دارند (ذخیره قانونی).

بانک‌ها از طرق متعددی می‌توانند ذخایر مورد نیاز خود را تأمین کنند. کم‌هزینه‌ترین راه برای کسب ذخایر جذب سپرده است. با جذب سپرده، موجودی حساب نزد بانک مرکزی و یا موجودی صندوق بانک جذب‌کننده سپرده افزایش و معادل آن موجودی ذخایر یا صندوق بانک از دست‌دهنده کاهش می‌یابد. بر این اساس میان بانک‌ها رقابتی در جذب سپرده‌های مردم وجود دارد. برخی از سپرده‌ها مثل سپرده‌های جاری و پس‌انداز هیچ

هزینه‌ای برای بانک ندارد، اما برای جذب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بانک می‌بایست سودی روی سپرده‌ها به سپرده‌گذار پرداخت کند.

راه دیگر تأمین ذخایر، استقراض از سایر بانک‌ها در بازار بین بانکی است. چنانچه بانک نتواند ذخایر مورد نیاز خود را با جذب سپرده تأمین کند، می‌بایست از طریق بازار بین بانکی ذخایر مورد نیاز را بدست آورد. بازار بین بانکی بازاری است که بانک‌ها ذخایر مازاد خود را به صورت کوتاه‌مدت (اغلب به صورت شبانه) به بانک‌هایی که با کسری ذخایر مواجه هستند، در مقابل پرداخت بهره وام می‌دهند.

اگر بانک نتواند ذخایر مورد نیاز خود را از بازار بین بانکی تأمین کند، باید از پنجره تنزیل بانک مرکزی استفاده کرده و به‌طور مستقیم از بانک مرکزی و در مقابل پرداخت بهره و ارائه وثیقه اقدام به استقراض ذخایر کند. چنانچه بانک نتواند از بانک مرکزی ذخایر استقراض کند، در نهایت مجبور به اضافه برداشت می‌شود که نرخ آن بسیار بالاتر از نرخ بهره در پنجره تنزیل بانک مرکزی است.

بر این اساس اگرچه بانک‌ها می‌بایست برای پاسخ به برداشت سپرده‌ها توسط مشتریان و تبعیت از نسبت سپرده قانونی بانک مرکزی ذخایری نگاه دارند، اما حجم ذخایر محدودیتی در خلق سپرده (پول) ایجاد نمی‌کند، چرا که بانک‌ها می‌توانند در صورت نیاز از بانک مرکزی استقراض کنند (در چارچوب سیاست پولی مبتنی بر هدفگذاری نرخ بهره). به بیان دیگر عرضه ذخایر توسط بانک مرکزی در نرخ‌های تعیین شده نامحدود است و آنچه بر خلق پول بانک تأثیر می‌گذارد، نه محدودیت مقداری ذخایر بلکه هزینه تأمین آن است.

فرآیند خلق پول جدید توسط بانک‌ها یا به تعبیر دقیق‌تر «فراتر رفتن از سپرده‌های پیشینی»، به‌طور معمول

فرآیندی تدریجی، جمعی و آرام است که در خلال آن، کنش جمعی و تقریباً مشابه بانک‌ها در خلق پول جدید (بدون پشتوانه سپرده قبلی) بسیاری از محدودیت‌های پیش روی یک بانک در توسعه خلق پول را بلاموضوع می‌سازد. در حقیقت قدرت خلق پول بانک‌ها عمدتاً ناشی از همین رفتار مشابه جمعی و تدریجی است، گرچه یک بانک منفرد نیز می‌تواند اقدام به خلق پولی بیشتر از سپرده‌های خود کند، لیکن این فرآیند پرهزینه و دارای محدودیت‌هایی است که رفتار جمعی و گام‌به‌گام بانک‌ها این هزینه‌ها و محدودیت‌ها را به‌طور جدی کاهش می‌دهد.^{۲۶}

بانکداری، که در ادبیات متعارف به اشتباه «واسطه‌گری وجوه» معرفی می‌شود، در معنای دقیق فرآیندی است که در آن بانک‌ها معادل بدهی خود دارایی به‌دست می‌آورند. بانک‌ها در ترتیبات امروزی، با فشردن دکمه کیبورد پول خلق می‌کنند، پولی که صرفاً یک ثبت عددی دال بر بدهی بانک است که در طرف بدهی ترازنامه بانک‌ها جا می‌گیرد. در شرایط عادی، بانک این پول خلق شده را مصروف اکتساب دارایی می‌کند (وام‌دهی، سرمایه‌گذاری مستقیم، خرید دارایی مالی یا حقیقی و ...). لذا بانکداری در معنای دقیق دلالت دارد بر «اکتساب دارایی از طریق خلق بدهی».

در ایران عمدتاً بر نقش واسطه‌گری بانک تأکید می‌شود و در این چارچوب خلق پول بانکی بر اساس رویکرد ضریب فزاینده تبیین و تفسیر می‌گردد. همان‌گونه که بیان شد این رویکرد با آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، فاصله

^{۲۶}. به عنوان مثال، مهمترین مانع در خلق پول جدید برای بانک که همان خروج سپرده ایجادشده از محل وام‌دهی و ابتلای بانک به کسری ذخایر است، در شرایط رفتار جمعی بانک‌ها بلاموضوع شده و ورودی و خروجی بانک‌ها در توازن قرار می‌گیرد.

دارد و لذا مبنا قرار دادن آن، حقایق بزرگی همچون نقش مستقل بانک‌ها در خلق پول، اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، پرداخت سود از محل خلق پول و ... را نمی‌تواند به درستی تفسیر کند. در این گزارش رویکرد «بانک به عنوان نهاد خلق پول» و نه «بانک به عنوان یک واسطه مالی صرف» مبنای تحلیل قرار گرفته است.

۲,۳. دلالت‌های رویکرد خلق پول در حوزه بانکداری اسلامی و مقررات بانکی

اولین دلالت رویکرد خلق پول، مربوط به حوزه مقررات بانکی است. در حال حاضر مقررات بانکداری ملی و بین‌المللی مبتنی بر فرض صحیح بودن نظریه واسطه‌گری مالی بانک‌ها طراحی شده است. اما از آن‌جا که بانک‌ها در واقعیت قادر هستند از هیچ، پول خلق کنند، افزایش دادن حداقل نسبت کفایت سرمایه در مقررات، لزوماً مانع بروز سیکل‌های رونق و رکود و وقوع بحران بانکی نمی‌شود. چرا که حتی با وجود نسبت‌های کفایت سرمایه بالاتر، بانک‌ها همچنان می‌توانند عرضه پول را افزایش دهند و موجب افزایش قیمت دارایی‌ها شوند و از طرفی دیگر بخشی از این پول خلق شده جدید توسط بانک‌ها، می‌تواند برای افزایش سرمایه بانک‌ها به کار گرفته شود (ورنر، ۲۰۱۴).

تبیین ماهیت بانک در چارچوب دیدگاه خلق پول، دلالت مهم دیگری نیز در حوزه نظارت بانکی دارد. به دلیل ماهیت بانک، هرگونه پرداختی که توسط بانک انجام شود (اعم از هزینه‌ها و سود پرداختی به سپرده‌گذاران)، از محل خلق پول توسط بانک است. در واقع بانک‌ها بهره‌پرداختی به سپرده‌گذاران را از جایی تامین نمی‌کنند، بلکه آن را خلق می‌کنند. البته این به معنی عدم محدودیت بانک در خلق بدهی (در قالب پرداخت بهره) نیست. بانک باید در پایان دوره مالی، دارایی‌ها و بدهی‌های خود را تراز نماید و در صورتی که پرداخت بهره به سپرده

گذاران بیش از رشد دارایی‌های بانک بوده باشد، بانک مجبور به شناسایی زیان و کسر از سرمایه خود خواهد بود.

اما باید توجه داشت که محدود بودن رشد بدهی بانک به رشد دارایی‌های آن، تنها در شرایطی می‌تواند محدودکننده خلق پول بانک باشد که نظارت بانکی (اعم از حسابرسی و نظارت بانک مرکزی) به دقت و با اقتدار کامل انجام شود. در صورت ضعف نظارت بانکی، بانک‌ها قادر خواهند بود با بیش‌ارزشگذاری دارایی‌های خود و با امهال غیررسمی وام‌های غیرجاری، بدهی خلق شده به واسطه پرداخت بهره را با دارایی‌های موهوم پشتیبانی نمایند. در واقع دلالت مهم دیدگاه خلق پول آن است که در فقدان یا ضعف نظارت بانکی، بانک‌ها می‌توانند از یک سو به پرداخت بهره یا انواع هزینه‌ها از محل «خلق پول از هیچ» اقدام کنند و از سوی دیگر به منظور تراز جلوه دادن ترازنامه خود اقدام به شناسایی دارایی‌های موهوم از طریق بیش‌ارزشگذاری دارایی‌ها نمایند.

یکی دیگر از دلالت‌های دیدگاه خلق پول در حوزه مقررات بانکی، آن است که در صورتی که پول به عنوان بدهی بانک فهم شود، روشن می‌شود که اساساً بین منابع و مصارف ترازنامه بانک، یک دیوار ضخیم وجود دارد: تخصیص سپرده‌ها به تسهیلات یا سرمایه‌گذاری عبارت نادرستی است. بانک صرفاً باید به گونه‌ای عمل نماید که ترازنامه او همواره در وضعیت تراز باقی بماند. آنچه می‌تواند موضوع مقررات‌گذاری بانکی قرار گیرد، نه تخصیص سپرده‌های خاص به دارایی‌های خاص، بلکه صرفاً قاعده‌گذاری برای نسبت برخی اجزا منابع بانک به برخی اجزا مصارف بانک است. این نکته دارای نتایجی در حوزه مقررات بانکداری اسلامی است.

«بررسی آرا و نظرات اقتصاددانان مسلمان نشان می‌دهد که تلقی غالب ایشان از بانک متعارف، منطبق بر دیدگاه

ضریب فزاینده است؛ یعنی نهادی که به طور انفرادی به عنوان یک واسطه مالی عمل می کند (بخشی از سپرده ها را به عنوان ذخیره قانونی نگهاری و مابقی را وام می دهد) و رفتار تجمعی آن ها در کل شبکه بانکی، منجر به خلق پول می شود. بانک اسلامی نیز در همین چارچوب معرفی و تحلیل می شود، با این تفاوت که عقود بکار گرفته شده در سپرده گیری و تسهیلات دهی بانک، منطبق بر عقود شرعی است. اما پذیرش دیدگاه «بانک به مثابه خلق کننده پول» دارای دلالت های بسیار مهمتر در حوزه مباحث اقتصاد اسلامی است» (حسینی، ۱۳۹۵).

«مهم ترین و کلان ترین پرسشی که از این منظر در خصوص بانک مدرن مطرح می شود آن است که اساسا آیا شریعت اسلام وجود نهاد «خلق کننده پول از هیچ» را می پذیرد؟ باید توجه داشت که این سوال با پرسش از اسلامی بودن بانک به مثابه خلق کننده پول با دیدگاه ضریب فزاینده متفاوت است. در مورد دوم، بانکی که بخشی از سپرده های خود را، در عین تعهد نسبت به سپرده گذار، وام می دهد، از منظر اسلامی مورد نقد قرار می گیرد، اما در اینجا بانکی که امکان خلق پول دفعی و بدون سپرده پیشینی را دارد، باید از منظر اسلامی ارزیابی شود.

در مرحله بعد و در صورت پذیرش عدم مخالفت شرع با «بانک به مثابه خلق کننده پول»، پرسش از الزامات مالکیتی و مدیریتی این نهاد مدرن از منظر اسلامی مطرح می شود: آیا بانکی که امکان خلق دفعی پول (واسطه مبادلات در اقتصاد) از هیچ را دارد، می تواند در مالکیت بخش خصوصی باشد؟ و آیا مدیریت پول خلق شده جدید یا به تعبیر دیگر «هدایت اعتبار» می تواند تماما در اختیار بخش خصوصی باشد یا حاکمیت باید در خصوص آن تصمیم گیری کند؟

گذشته از سوالات فلسفی مبنایی فوق، پذیرش دیدگاه خلق پول در سطح قوانین و مقررات بانکداری بدون

ربا نیز دارای دلالت‌های مهمی در لایه تعاریف عقود است. به عنوان مثال تعاریف ارائه شده در خصوص « عملیات بانکی» یا سپرده در قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ذیل آن، نیازمند اصلاح خواهد بود؛ چرا که تعریف عملیاتی بانکی به «دریافت سپرده و به کارگیری آن در قالب اعطای تسهیلات» غیرمنطبق بر ماهیت بانک است؛ همچنین از آنجا که بانک علاوه بر دریافت سپرده، امکان خلق سپرده را نیز دارد، لذا تعریف سپرده به عنوان وجهی که از عموم دریافت می‌گردد نادرست خواهد بود. همچنین نحوه تقسیم‌بندی عملیات بانکی به دو بخش تجهیز و تخصیص منابع پولی، اساساً نادرست خواهد بود. سپرده‌های شبکه بانکی تجهیز نمی‌شوند، بلکه از طریق وام‌دهی یا سرمایه‌گذاری یا پرداخت بهره، خلق می‌شوند. در واقع همزمان با تخصیص منابع، خلق سپرده رخ می‌دهد و تجهیز منابع برای کل شبکه بانکی عبارت نادرستی است.

دیدگاه خلق پول از منظر خرد و در سطح عقود و قراردادهای فی‌مابین بانک و سپرده‌گذاران نیز، دارای دلالت‌ها و اقتضائات مهمی است. مطابق آنچه بیان گردید، وام و تسهیلات پرداخت شده توسط بانک، نه از محل سپرده‌ها، بلکه از محل خلق پول جدید صورت می‌گیرد. در این حالت، «وکالت بانک از سپرده‌گذاران برای استفاده از سپرده‌های سرمایه‌گذاری در اعطای تسهیلات» نادرست خواهد بود. در واقع موضوع وکالت که سپرده‌گذاران در هنگام سپرده‌گذاری به بانک می‌دهند، نمی‌تواند «استفاده از سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات» باشد، چرا که بانک تسهیلات را از محل سپرده‌ها نمی‌پردازد، بلکه آن را خلق می‌کند.

بر این اساس عباراتی نظیر «وکالت بانک از سپرده‌گذاران برای استفاده از سپرده‌های سرمایه‌گذاری در اعطای انواع تسهیلات» اساساً نادرست خواهد بود. در صورتی که بخواهیم رابطه میان بانک و سپرده‌گذار را از نوع

وکالت بدانیم، موضوع وکالت، نه «بکارگیری سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات»، بلکه وکالتی بسیار عام‌تر (وکالت در استفاده از سپرده‌های جذب شده به شکل ذخایر نزد بانک مرکزی، برای امر تودیع سپرده قانونی یا تسویه بین بانکی) است، که می‌توان برای تبیین آن، از عنوان کلی «وکالت در استفاده از سپرده‌ها برای انجام عملیات بانکی» استفاده نمود.

از منظر دیدگاه خلق پول، در فرایند اعطای تسهیلات (اعم از تسهیلات مشارکتی یا مبادله‌ای) بانک در قالب خلق سپرده جدید برای تسهیلات گیرنده، قدرت خرید جدیدی برای وی ایجاد و خود را متعهد به بازپرداخت آن می‌کند. در واقع بانک با ایجاد قدرت خرید جدید و متعهد نمودن خود به بازپرداخت، با گیرنده تسهیلات مشارکت می‌نماید (در تسهیلاتی نظیر مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه و ...) یا در فرایند مبادله کالا یا خدمات مورد نیاز گیرنده تسهیلات، تسهیل ایجاد می‌کند (در تسهیلاتی نظیر فرش اقساط، سلف، جعاله و ...). به این ترتیب، عقود که در حال حاضر برای اعطای تسهیلات توسط بانک تعریف شده است، تعارضی با دیدگاه خلق پول و واقعی بانک ندارد. به بیان دیگر، مهم‌ترین دلالت‌های دیدگاه خلق پول در قانون عملیات بانکی بدون ربا، در عقود و روابط میان بانک و سپرده‌گذار است؛ و عقود و روابط میان بانک و تسهیلات گیرنده دچار تغییر نمی‌شود.

دلالت دیگر دیدگاه خلق پول در حوزه بانکداری اسلامی، در تفکیک درآمدهای بانک به «مشاع» و «غیرمشاع» است. استدلال پشتیبان این تفکیک، که متکی بر دیدگاه واسطه‌گری مالی می‌باشد، آن است که بخشی از درآمدهای بانک با استفاده از منابع سپرده‌گذاران حاصل شده؛ در واقع درآمدهای حاصل از اعطای تسهیلات

یا سرمایه‌گذاری‌های بانک، از آنجا که از محل منابع سپرده‌گذاران صورت گرفته، پس باید میان بانک و سپرده‌گذاران تقسیم شود. اما بخش دیگری از درآمدهای بانک، از جمله درآمدهای کارمزدی ارتباطی با سپرده سپرده‌گذاران نداشته و درآمد غیرمشاع بانک تلقی می‌شود. اما واقعیت آن است که نه سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات بانک مدرن از محل سپرده سپرده‌گذاران با سپرده‌گذاری نزد یک بانک، امکان تودیع سپرده قانونی و تسویه در بازار بین بانکی را برای آن بانک فراهم می‌کنند، و این در واقع «مشارکت در عملیات بانک» است. کلیه عملیات بانک، از جمله اعطای تسهیلات (در قالب خلق سپرده جدید)، درآمدهای کارمزدی و ...، درآمدهایی را حاصل می‌کند که سپرده‌گذاران به صورت غیرمستقیم در آن تاثیر داشته‌اند. لذا تفکیک درآمدهای بانک به مشاع و غیرمشاع فاقد وجهات نظری خواهد بود و سپرده‌گذاران در کلیه درآمدهای بانک شریک هستند» (روحانی، ۱۳۹۷).

منابع

- گزارش ۱۵۵۱۴ مرکز پژوهش های مجلس
- روحانی، سیدعلی، ۱۳۹۷، اثرات خلق پول شبکه بانکی بر ثبات اقتصاد کلان رهیافت تعادل عمومی تصادفی پویا، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- حسینی دولت آبادی، سید مهدی، ۱۳۹۵، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- Mishkin, F., Matthews, K., & Giuliodori., M (۲۰۱۳). The Economics of Money, Banking & Financial Markets-European ed. London: pearson Education Limited.
- Jakab, Z., & Kumhof, M. (۲۰۱۵). Banks are not intermediaries of loanable funds and why this matters. Bank of England Working Paper No. ۵۲۹
- Werner, R. (۲۰۱۴). Can banks individually create money out of nothing - The Theories and the Empirical Evidence. International Review of Financial Analysis
- Mankiw, G. (۲۰۰۳). Macroeconomics (Fifth ed.). Worth Publisher
- Jackson, Andrew, and Ben Dyson. Modernising money: why our monetary system is broken and how it can be fixed. Positive Money, ۲۰۱۲.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (۲۰۱۴ Q۱). Money creation in the modern economy. London: Bank of England Quarterly Bulletin.
- Rule, G. (۲۰۱۵). CCBS Handbook – No. ۳۲ , Understanding the central bank balance sheet. London: Bank of England
- Sheard, P. (۲۰۱۳). Repeat After Me: Banks Cannot And Do Not "Lend Out" Reserves. Standard & Poors - Ratings Direct
- Goodhart, C. (۲۰۰۷). Whatever became of the Monetary Aggregates? Peston Lecture in honour of Maurice, Lord Peston. London
- Moore, Geoffrey H. "Business cycles, inflation, and forecasting." NBER Books (۱۹۸۳).
- Rule, G. (۲۰۱۵). CCBS Handbook – No. ۳۲ , Understanding the central bank balance sheet. London: Bank of England.
- Lindner, F. (۲۰۱۵). Does Saving Increase the Supply of Credit? A Critique of Loanable Funds Theory. World Economic Review



مدیریت ریسک و مطالعات اقتصادی

تهران، خیابان ولیعصر، خیابان امین گاج آبادی، شماره ۷۵
تلفن: ۰۲۱-۲۶۳۱۵۰۰۰-۵ نمایر: ۰۲۱-۲۶۳۱۴۹۹۹

ER@karafarinbank.ir www.karafarinbank.ir